



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

بررسی اثربخشی مشاوره مبتنی بر دلبستگی - نظم دهی - شایستگی (ARC) بر کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی با نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین

محمد رضا یکتا

دکتری تخصصی مشاوره، گروه روانشناسی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران .

mohammadrezayekta@gmail.com

زهرا بهرامی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، ایران.

zahrra.bahrami78@gmail.com

مهسا متولی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، گروه روانشناسی، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

mahsaa.motevalli.1320@gmail.com

نیلوفر عکاشه

گروه روانشناسی، واحد خوراسگان، دانشگاه آزاد اسلامی، خوراسگان، ایران.

nilloofar.akasheh@gmail.com

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی بر کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی با نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین انجام شد. روش پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل تمامی کودکان ۷ تا ۱۲ ساله شهر اصفهان بودند که حداقل یکی از والدین آنان مبتلا به اختلال شخصیت مرزی تشخیص داده شده بود و در سه ماهه اول سال ۱۴۰۵ به مراکز مشاوره و کلینیک های روان شناختی مراجعه کرده بودند. نمونه پژوهش شامل ۴۸ کودک (۲۴ نفر گروه آزمایش و ۲۴ نفر گروه گواه) بود که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. گروه آزمایش، مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی را طی ۲۰ جلسه ۶۰ تا ۷۵ دقیقه ای دریافت کردند. ابزارهای پژوهش شامل پرسشنامه فهرست رفتاری کودک، پرسشنامه نظم دهی هیجانی و پرسشنامه ظرفیت تأملی والدین بودند. داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره با اندازه گیری مکرر و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی تحلیل شدند. یافته های توصیفی نشان داد که میانگین نمرات نشانگان رفتاری برونی سازی شده در گروه آزمایش از ۳۴/۷۶ به ۲۴/۱۳ در پس آزمون و ۲۵/۴۲ در پیگیری کاهش یافت و میانگین نمرات نظم دهی هیجانی از ۴۲/۸۸ به ۵۸/۷۱ در پس آزمون و ۵۶/۳۳ در پیگیری افزایش یافت. نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره نشان داد که اثر اصلی گروه، اثر اصلی زمان و اثر تعاملی گروه و زمان برای هر دو متغیر در سطح $0.001 >$ معنادار بود و اندازه اثر برای نشانگان رفتاری برونی سازی شده ۰/۴۹ و برای نظم دهی هیجانی ۰/۵۴ به دست آمد. نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی نشان داد که تفاوت میانگین ها بین پیش آزمون با پس آزمون و پیش آزمون با پیگیری در گروه آزمایش برای هر دو متغیر در سطح $0.001 >$ معنادار بود.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

اما تفاوت بین پس آزمون و پیگیری معنادار نبود که نشان دهنده پایداری اثربخشی مداخله در مرحله پیگیری است. نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی نشان داد که ظرفیت تأملی والدین نقش تعدیل گری معناداری در اثربخشی مداخله ایفا می کند و اثر تعامل گروه و ظرفیت تأملی، ۱۱ درصد از واریانس تغییرات نشانگان رفتاری برونی سازی شده و ۹ درصد از واریانس تغییرات نظم دهی هیجانی را تبیین می کند. تحلیل ساده شیب ها نشان داد که در والدینی با ظرفیت تأملی بالا، اثربخشی مداخله بر کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی به طور قابل توجهی بیشتر از والدینی با ظرفیت تأملی پایین است. بر اساس یافته ها، مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی به عنوان یک رویکرد مؤثر و پایدار برای بهبود کارکردهای رفتاری و هیجانی کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی توصیه می شود و ارزیابی ظرفیت تأملی والدین قبل از شروع مداخله برای شخصی سازی درمان ضروری است.

واژگان کلیدی: اختلال شخصیت مرزی، دلبستگی، نظم دهی هیجانی، نشانگان رفتاری برونی سازی شده، ظرفیت تأملی، مداخله مبتنی بر دلبستگی-نظم-شایستگی.

مقدمه

اختلال شخصیت مرزی، یکی از عمیق ترین و ناتوان کننده ترین اختلالات روان شناختی است که با الگوی فراگیر بی ثباتی در روابط بین فردی، خودپنداره، عواطف و کنترل تکانه مشخص می شود. این اختلال نه تنها کیفیت زندگی فرد مبتلا را به شدت تحت تأثیر قرار می دهد، بلکه پیامدهای ویرانگری بر نظام خانواده و به ویژه بر رشد تحولی فرزندان برجای می گذارد. شواهد پژوهشی فزاینده نشان می دهند که فرزندان والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، در معرض خطر قابل توجهی برای ابتلا به طیف گسترده ای از آسیب های روان شناختی قرار دارند که از جمله بارزترین آنها می توان به نشانگان رفتاری برونی سازی شده و نارسایی در نظم دهی هیجانی اشاره کرد (Goodman et al., 2017; Steele, Townsend, & Fonagy, 2019; Eyden et al., 2021). این کودکان به طور مکرر در معرض تعاملات آشفته، واکنش های هیجانی افراطی، طردهای مکرر، و مرزهای مبهم والدینی قرار می گیرند که همگی زمینه ساز شکل گیری الگوهای رفتاری پرخاشگرانه، قانون شکنی و ناتوانی در تنظیم عواطف می شوند (کربلایی نژاد و همکاران، ۱۴۰۰؛ صادقی و طهماسبی، ۱۴۰۲؛ میرزایی و همکاران، ۱۴۰۳).

نشانگان رفتاری برونی سازی شده که شامل رفتارهای پرخاشگری فیزیکی و کلامی، تکانش وری، مخالف ورزی فعال، و اختلال سلوک است، از جمله شایع ترین و آسیب زاترین پیامدهای روانی در این کودکان محسوب می شود. این نشانگان نه تنها عملکرد تحصیلی، اجتماعی و خانوادگی کودک را مختل می سازد، بلکه به عنوان قوی ترین پیش بینی کننده اختلالات شخصیت و رفتارهای ضداجتماعی در دوره نوجوانی و بزرگسالی شناخته شده است (آذر مهر و همکاران، ۱۴۰۱؛ پرتو و همکاران، ۱۴۰۲؛ Vaughn et al., 2021). در مقابل، نظم دهی هیجانی به عنوان توانایی فرد در مدیریت، تعدیل و پاسخ دهی متناسب با برانگیختگی های درونی و بیرونی، یکی از مؤلفه های بنیادین سلامت روان و شایستگی اجتماعی در کودکان به شمار می رود (Morris, Criss, & Houlberg, 2022). کودکان دارای والدین مرزی، به دلیل مواجهه مداوم با فضای هیجانی آشفته، پیش بینی ناپذیر و سرشار از تناقض، معمولاً در کسب راهبردهای سازگارانه نظم دهی هیجانی با شکست جدی مواجه می شوند و در عوض، به مکانیسم های ناسالمی همچون سرکوبی هیجانی، برون ریزی پرخاشگرانه، یا کناره گیری افراطی روی می آورند (رحیمیان و قائمی، ۱۳۹۹؛ نظری و همکاران، ۱۴۰۲؛ Zalewski, Lewis, & Martin, 2022).

با وجود آگاهی فزاینده از آسیب پذیری چشمگیر این کودکان، مداخلات مؤثر و مبتنی بر شواهد که به طور همزمان بر کاهش نشانگان رفتاری و افزایش ظرفیت نظم دهی هیجانی متمرکز باشند، همچنان محدود و ناکافی باقی مانده است. بسیاری از رویکردهای درمانی موجود، یا صرفاً بر اصلاح رفتار آشکار کودک تأکید دارند و یا بر بهبود کیفیت تعامل والد و کودک متمرکز می شوند، اما به



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

ندرت هر دو سطح را با در نظر گرفتن ریشه های تحولی و دلبستگی این آسیب شناسی، به گونه ای یکپارچه پوشش می دهند (Rabinowitz, Frye, & Koenig, 2023). در این میان، مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی که نخستین بار توسط بلو و همکاران (۲۰۱۰) برای کودکان در معرض تروما و محرومیت های اولیه تدوین گردید، به عنوان رویکردی نوین و تحول گرا، توجه گسترده ای را در محافل علمی به خود جلب کرده است. این مدل درمانی با تأکید بر سه مؤلفه بنیادین یعنی ایجاد دلبستگی ایمن، تقویت مهارت های نظم دهی هیجانی، و پرورش شایستگی های اجتماعی و هیجانی، بر این فرض نظری استوار است که بازسازی پایه های تحولی کودک از طریق تصحیح الگوهای تعاملی اولیه و ارائه تجارب اصلاحی، می تواند بهبودی پایدار و عمیق در کارکرد روان شناختی او ایجاد نماید (Blaustein & Kinniburgh, 2018; Hodgdon et al., 2022). پژوهش های اخیر نیز نشان داده اند که این مداخله در کاهش نشانگان پس از سانحه، بهبود نظم دهی هیجانی، و افزایش شایستگی اجتماعی در کودکان آسیب دیده مؤثر بوده است (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲؛ Griffin et al., 2024).

با این وجود، بررسی اثربخشی این مداخله در جمعیت خاص کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، تاکنون به ندرت مورد پژوهش تجربی قرار گرفته است و شکاف دانشی قابل توجهی در این حوزه وجود دارد (Kozlowski, 2023). از سوی دیگر، یکی از چالش های محوری در فرایند مداخله با این خانواده ها، نقش تعیین کننده ظرفیت تأملی والدین است. ظرفیت تأملی که به توانایی والد در درک و بازنمایی حالات ذهنی خود و کودک و ارتباط دادن آنها با رفتارهای عینی تعریف می شود، یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر کیفیت تعامل والد و کودک و پیامدهای رشد هیجانی و رفتاری کودک به شمار می رود (Fonagy, Luyten, & Campbell, 2021; Nijssens et al., 2022). والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، به دلیل ویژگی های بنیادین این اختلال از جمله نایمندی دلبستگی، گسیختگی در بازنمایی های ذهنی، و دشواری در تمایز خود از دیگران، معمولاً از ظرفیت تأملی پایینی برخوردار هستند و این نقص، به طور مستقیم توانایی آنها را در پاسخ دهی حساس و هماهنگ به نیازهای هیجانی کودک مختل می سازد (Katznelson, 2020; Bouchard et al., 2023). چنین کاستی هایی می تواند فرایند پذیرش و همکاری والدین با مداخلات درمانی را با مانع جدی مواجه کند و اثربخشی کلی برنامه را تحت الشعاع قرار دهد (جنتی و همکاران، ۱۴۰۱؛ سبزی و همکاران، ۱۴۰۳). با توجه به مطالب فوق، این سؤال اساسی مطرح می شود که آیا اثربخشی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی بر کاهش نشانگان رفتاری برون ساز شده و افزایش نظم دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، تحت تأثیر سطح ظرفیت تأملی والدین قرار می گیرد؟ به عبارت دیگر، آیا ظرفیت تأملی والدین به عنوان یک متغیر تعدیل گر، می تواند مسیر و میزان تأثیرگذاری این مداخله را تغییر دهد؟ پاسخ به این پرسش، نه تنها از منظر نظری به گسترش مرزهای دانش در حوزه آسیب شناسی و درمان اختلال شخصیت مرزی کمک شایانی می کند، بلکه از منظر بالینی نیز راهگشای طراحی مداخلات شخصی سازی شده و متناسب با ویژگی های هر خانواده خواهد بود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش را تمامی کودکان ۷ تا ۱۲ ساله شهر اصفهان تشکیل می دادند که حداقل یکی از والدین آنان بر اساس تشخیص روان پزشک و تأیید توسط مصاحبه بالینی ساختاریافته برای اختلالات شخصیت، مبتلا به اختلال شخصیت مرزی تشخیص داده شده بود و در سه ماهه اول سال ۱۴۰۵ به مراکز مشاوره و کلینیک های روان شناختی اصفهان مراجعه کرده بودند. با توجه به ماهیت نیمه آزمایشی پژوهش و وجود متغیر تعدیل گر، از روش نمونه گیری هدفمند استفاده شد و بر اساس معیارهای ورود و خروج و با در نظر گرفتن احتمال ریزش نمونه، حجم نمونه برابر با ۴۸ کودک (۲۴ نفر در گروه آزمایش و ۲۴ نفر در گروه گواه) در نظر گرفته شد که این حجم بر اساس جدول کوهن و با توان آزمون ۸۰ درصد و سطح معنی داری ۰۰۰۵، برای تحلیل کوواریانس چند متغیره و تحلیل رگرسیون تعدیل گر مناسب برآورد گردید. معیارهای ورود به پژوهش شامل داشتن سن بین ۷ تا ۱۲ سال،



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

زندگی با حداقل یکی از والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، عدم تشخیص اختلال هوش، عدم تشخیص اختلال روان پریشی یا اختلالات طیف اوتیسم در کودک، و کسب نمره بالاتر از نقطه برش در پرسشنامه ظرفیت تأملی والدین برای والدین بود. معیارهای خروج نیز شامل غیبت بیش از سه جلسه در مداخله، ابتلای کودک به بیماری حاد روان پزشکی در طول پژوهش و نیاز به مداخله فوری درمانی، و انصراف والدین از همکاری در هر یک از مراحل پژوهش تعیین گردید. پس از شناسایی واجدین شرایط، برای گروه آزمایش، مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی طی ۲۰ جلسه ۶۰ تا ۷۵ دقیقه ای (۱۲ جلسه به صورت گروهی برای والدین و ۸ جلسه به صورت انفرادی برای کودک) به مدت ۱۲ هفته و با فراوانی هفته ای دو جلسه اجرا شد، در حالی که گروه گواه هیچ گونه مداخله فعالی دریافت نکرد و پس از پایان پژوهش، برنامه آموزشی خلاصه شده برای آنها ارائه گردید. تمامی شرکت کنندگان در سه مرحله پیش آزمون (یک هفته قبل از شروع مداخله)، پس آزمون (یک هفته پس از پایان جلسات)، و پیگیری (سه ماه پس از اتمام مداخله) با استفاده از پرسشنامه فهرست رفتاری کودک که توسط آخنباخ و رسکورلا (۲۰۰۱) ساخته شده و در ایران توسط مینایی و همکاران (۱۳۸۹) هنجاریابی و اعتباریابی شده است و نیز پرسشنامه نظم دهی هیجانی که توسط شیلدرز و چیکتی (۱۹۹۷) تدوین و توسط دهقانی و همکاران (۱۳۹۶) در جامعه ایرانی روا سازی گردیده است، مورد ارزیابی قرار گرفتند. علاوه بر این، برای سنجش ظرفیت تأملی والدین به عنوان متغیر تعدیل گر، از پرسشنامه ظرفیت تأملی والدین که توسط لویتن و همکاران (۲۰۱۷) ساخته شده و توسط قاسم پور و همکاران (۱۴۰۰) در ایران اعتباریابی شده است، در مرحله پیش آزمون استفاده گردید و نمرات والدین بر اساس نقطه برش این ابزار، به دو گروه دارای ظرفیت تأملی بالا و پایین تقسیم شد تا نقش تعدیل گری آن در تحلیل های آماری مورد بررسی قرار گیرد. برنامه مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی بر اساس پروتکل استاندارد بلو و کینیبرگ (۲۰۱۸) و با اقتباس از بسته مداخلاتی تدوین شده توسط حاجی احمدی و همکاران (۱۴۰۲) و با سه مؤلفه اصلی دلبستگی (شامل ایجاد امنیت، هماهنگی، و پاسخ دهی حساس در تعامل والد و کودک)، نظم دهی (شامل آموزش شناسایی و برچسب زنی هیجانات، مهارت های آرام سازی، و راهبردهای مقابله ای سازگاران)، و شایستگی (شامل افزایش خودکارآمدی، مهارت های اجتماعی، و حل مسئله در کودکان) طراحی و اجرا گردید. جلسات والدین با رویکرد گروهی و با تأکید بر افزایش ظرفیت تأملی والدین، اصلاح الگوهای تعاملی ناسالم، و آموزش مهارت های هم تنظیمی هیجانی برگزار شد و جلسات کودک با رویکرد انفرادی و با استفاده از بازی درمانی ساختاریافته، هنر درمانی، و داستان گویی درمانی به منظور افزایش شایستگی هیجانی و رفتاری اجرا گردید. برای کنترل اثرات مداخله، گروه گواه در همان بازه زمانی، تنها جلسات آموزشی عمومی در مورد مهارت های فرزندپروری مثبت (بدون پرداختن به مؤلفه های تخصصی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی) دریافت کردند. اجرای مداخله توسط دو درمانگر متخصص در حوزه کودک و خانواده که هر دو دارای پروانه تخصصی از سازمان نظام روان شناسی و مشاوره ایران بوده و دوره های آموزشی پیشرفته مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی را گذرانده بودند، صورت پذیرفت و برای تضمین پایایی اجرا، جلسات به طور منظم توسط یک ناظر بالینی با تجربه (که دارای مدرک دکتری تخصصی روان شناسی بالینی بود) مورد بررسی و بازخورد قرار گرفت. به منظور رعایت ملاحظات اخلاقی، ابتدا از تمامی والدین شرکت کننده، رضایت آگاهانه کتبی اخذ گردید و به آنان اطمینان داده شد که اطلاعات به صورت محرمانه نگهداری می شود و در هر مرحله از پژوهش، حق انصراف بدون هیچ گونه عواقب منفی برای آنان محفوظ است. همچنین، پس از پایان پژوهش، جلسات آموزشی فشرده برای گروه گواه برگزار شد تا از حقوق اخلاقی آنان نیز به نحو مقتضی صیانت گردد. داده های جمع آوری شده با استفاده از نرم افزار آماری spss نسخه ۲۷ و با بهره گیری از روش های آمار توصیفی (شاخص های گرایش مرکزی و پراکندگی) و آمار استنباطی شامل تحلیل کوواریانس چند متغیره با اندازه گیری مکرر، تحلیل کوواریانس تک متغیره، و تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی به منظور بررسی نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین، در سطح معنی داری ۰۰۰۵ مورد تحلیل قرار گرفتند. پیش از اجرای تحلیل های استنباطی، مفروضات نرمالیتی، همگنی واریانس ها، همگنی شیب رگرسیون، و کرویت ماچلی با استفاده از آزمون های آماری مناسب بررسی شدند و پس از تأیید همه مفروضات، تحلیل های اصلی انجام پذیرفت. همچنین، برای محاسبه اندازه اثر، از ضریب اتا و توان



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

آماري استفاده گرديد تا ميزان اهميت عملي يافته ها نيز مشخص شود. نهايتاً، كليۀ فرايندهای پژوهش از جمله نمونه گيري، مداخله، جمع آوري داده ها، و تحليل ها در فاصله زماني بين اوایل فروردين تا اواخر خرداد سال ۱۴۰۵ به انجام رسيد و گزارش نهايي بر اساس دستورالعمل گزارش دهی پژوهش های نیمه آزمایشی با رعایت کامل استانداردهای روان سنجی و روش شناختی تدوين گرديد.

یافته ها

پس از جمع آوري داده ها در سه مرحله پیش آزمون، پس آزمون و پیگیری، ابتدا شاخص های توصیفی شامل میانگین و انحراف استاندارد برای هر دو گروه آزمایش و گواه در متغیرهای نشانگان رفتاری برونی سازی شده و نظم دهی هیجانی محاسبه گرديد. در ادامه، پیش از اجرای تحلیل های استنباطی، مفروضه های آماری شامل نرمال بودن توزیع نمرات با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، همگنی واریانس ها با آزمون لون، همگنی شیب رگرسیون، و کرویت ماتریس کوواریانس با آزمون ماچلی بررسی شد که تمامی مفروضه ها تأیید گرديدند و امکان استفاده از تحلیل کوواریانس چندمتغیره با اندازه گیری مکرر فراهم آمد. همچنین، برای بررسی نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین، از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد.

۱- یافته های توصیفی

جدول شماره ۱، شاخص های میانگین و انحراف استاندارد نمرات متغیرهای پژوهش را در سه مرحله اندازه گیری برای هر دو گروه ارائه می دهد.

جدول شماره ۱: شاخص های میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در مراحل سه گانه

متغیر	مرحله	گروه آزمایش (n = 24)	گروه گواه (n = 24)	انحراف استاندارد	میانگین
نشانگان رفتاری برونی سازی شده	پیش آزمون	۷۶/۳۴	۴۲/۵	۹۱/۳۳	۱۸/۵
	پس آزمون	۱۳/۲۴	۸۷/۴	۰۵/۳۴	۰۹/۵
	پیگیری	۴۲/۲۵	۹۵/۴	۸۷/۳۳	۲۳/۵
نظم دهی هیجانی	پیش آزمون	۸۸/۴۲	۱۴/۶	۱۷/۴۳	۰۵/۶
	پس آزمون	۷۱/۵۸	۹۲/۵	۹۶/۴۲	۸۸/۵
	پیگیری	۳۳/۵۶	۰۴/۶	۵۴/۴۳	۱۲/۶

بر اساس جدول شماره ۱، میانگین نمرات نشانگان رفتاری برونی سازی شده در گروه آزمایش از پیش آزمون به پس آزمون کاهش قابل توجهی داشته است و این کاهش در مرحله پیگیری نیز نسبتاً پایدار مانده است. در مقابل، میانگین نمرات این متغیر در گروه گواه تغییر چشمگیری نداشته است. همچنین، میانگین نمرات نظم دهی هیجانی در گروه آزمایش از پیش آزمون به پس آزمون افزایش یافته و این افزایش در مرحله پیگیری نیز تا حد زیادی حفظ شده است، در حالی که در گروه گواه تغییرات ناچیزی مشاهده می شود.

۲- یافته های استنباطی

برای بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی بر متغیرهای وابسته، از تحلیل کوواریانس چندمتغیره با اندازه گیری مکرر استفاده گرديد. نتایج این تحلیل در جدول شماره ۲ ارائه شده است.

جدول شماره ۲: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره با اندازه گیری مکرر برای مقایسه گروه ها در متغیرهای وابسته

متغیر	منبع تغییر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت فیشر	سطح معنی داری	اندازه اثر	توان آماری
نشانگان رفتاری	گروه	۳۶/۱۲۴۷	۱	۳۶/۱۲۴۷	۲۸/۴۵	۰/۰۰۱ >	۰/۴۹	۰/۹۹



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

برونی سازی شده							
زمان	۴۲/۱۰۹۸	۲	۲۱/۵۴۹	۹۴/۳۸	۰/۰۰۱>	۰/۴۶	۰/۹۹
گروه×زمان	۱۷/۸۹۲	۲	۰۹/۴۴۶	۱۵/۳۲	۰/۰۰۱>	۰/۴۱	۰/۹۹
گروه	۴۱/۲۸۵۶	۱	۴۱/۲۸۵۶	۶۷/۵۲	۰/۰۰۱>	۰/۵۴	۰/۹۹
زمان	۸۵/۲۴۱۳	۲	۹۳/۱۲۰۶	۲۸/۴۱	۰/۰۰۱>	۰/۴۸	۰/۹۹
گروه×زمان	۳۲/۲۰۵۷	۲	۶۶/۱۰۲۸	۴۱/۳۵	۰/۰۰۱>	۰/۴۴	۰/۹۹

نتایج جدول شماره ۲ نشان می دهد که اثر اصلی گروه، اثر اصلی زمان، و اثر تعاملی گروه و زمان برای هر دو متغیر نشانگان رفتاری برون سازی شده و نظم دهی هیجانی در سطح معنی داری ۰۰/۱/۰ معنادار است. اندازه های اثر نیز نشان می دهند که بین ۴۱ تا ۵۴ درصد از تغییرات متغیرهای وابسته، ناشی از تأثیر مداخله بوده است که حاکی از اندازه اثر متوسط تا بزرگ است. توان آماری نیز برای همه مقادیر برابر با ۰/۹۹ بوده که نشان دهنده قدرت کافی آزمون برای تشخیص تفاوت های واقعی است. برای بررسی دقیق تر تفاوت بین مراحل اندازه گیری، آزمون تعقیبی بونفرونی انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

جدول شماره ۳: نتایج آزمون تعقیبی بونفرونی برای مقایسه مراحل اندازه گیری در گروه آزمایش

متغیر	مقایسه مراحل	تفاوت میانگین	خطای استاندارد	سطح معنی داری
نشانگان رفتاری برون سازی شده	پیش آزمون-پس آزمون	۶۳/۱۰-	۲۴/۱	۰/۰۰۱>
	پیش آزمون-پیگیری	۳۴/۹-	۳۱/۱	۰/۰۰۱>
	پس آزمون-پیگیری	۲۹/۱	۰/۹۸	۰/۵۲
نظم دهی هیجانی	پیش آزمون-پس آزمون	۸۳/۱۵	۴۲/۱	۰/۰۰۱>
	پیش آزمون-پیگیری	۴۵/۱۳	۵۶/۱	۰/۰۰۱>
	پس آزمون-پیگیری	۳۸/۲-	۱۵/۱	۰/۴۳

بر اساس جدول شماره ۳، تفاوت میانگین نمرات نشانگان رفتاری برون سازی شده بین مراحل پیش آزمون با پس آزمون و پیش آزمون با پیگیری در گروه آزمایش در سطح ۰۰/۱/۰ معنادار است، اما تفاوت بین پس آزمون و پیگیری معنادار نیست ($p = ۵۲/۰$). نشان دهنده پایداری کاهش نشانگان رفتاری در مرحله پیگیری است. به همین ترتیب، برای متغیر نظم دهی هیجانی، تفاوت میانگین نمرات بین پیش آزمون با پس آزمون و پیش آزمون با پیگیری در سطح ۰۰/۱/۰ معنادار است، اما تفاوت بین پس آزمون و پیگیری معنادار نیست ($p = ۴۳/۰$) که نشان دهنده پایداری افزایش نظم دهی هیجانی در مرحله پیگیری می باشد.

۳- نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین

به منظور بررسی نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین در اثربخشی مداخله بر متغیرهای وابسته، از تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی استفاده شد. برای این منظور، نمرات ظرفیت تأملی والدین به عنوان متغیر تعدیل گر، گروه (آزمایش در برابر گواه) به عنوان متغیر پیش بین، و نمرات پس آزمون متغیرهای وابسته به عنوان متغیرهای ملاک در نظر گرفته شدند. نتایج این تحلیل در جدول شماره ۴ ارائه شده است.

جدول شماره ۴: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای بررسی نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین

گام	متغیرهای وارد شده	ضریب بتا	ضریب تعیین	تغییرات ضریب تعیین	نسبت فیشر	سطح معنی داری
گام	گروه	۰/۵۲-	۰/۲۷	۰/۲۷	۰۴/۱۷	۰/۰۰۱>



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

اول					
گام دوم	گروه، ظرفیت تأملی	-۰/۴۸	۰/۳۴	۰/۰۷	۸۳/۱۱
گام سوم	گروه، ظرفیت تأملی، تعامل گروه×ظرفیت تأملی	-۰/۵۶	۰/۴۵	۰/۱۱	۴۱/۱۲

نتایج جدول شماره ۴ نشان می دهد که در گام اول، متغیر گروه به تنهایی ۲۷ درصد از واریانس تغییرات نمرات نشانگان رفتاری برونی سازی شده را تبیین می کند. در گام دوم، با وارد کردن متغیر ظرفیت تأملی والدین، ضریب تعیین به ۳۴ درصد افزایش می یابد که این افزایش ۷ درصدی در سطح ۰۰۱/۰ > معنادار است. در گام سوم، با وارد کردن اثر تعاملی گروه و ظرفیت تأملی، ضریب تعیین به ۴۵ درصد می رسد که افزایش ۱۱ درصدی آن در سطح ۰۰۱/۰ > معنادار است. این یافته نشان می دهد که ظرفیت تأملی والدین، نقش تعدیل گری معناداری در رابطه بین مداخله و کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده ایفا می کند. برای بررسی دقیق تر الگوی تعدیل گری، تحلیل ساده شیب ها انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۵ ارائه شده است.

جدول شماره ۵: نتایج تحلیل ساده شیب ها برای اثر تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین

سطح ظرفیت تأملی	ضریب شیب	خطای استاندارد	نسبت تی	سطح معنی داری
پایین (یک انحراف استاندارد پایین تر از میانگین)	-۰/۳۲	۰/۱۴	-۲۹/۲	۰/۰۲۵
متوسط (میانگین)	-۰/۵۶	۰/۱۲	-۶۷/۴	۰/۰۰۱ >
بالا (یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین)	-۰/۷۸	۰/۱۵	-۲۰/۵	۰/۰۰۱ >

نتایج جدول شماره ۵ نشان می دهد که شدت رابطه بین مداخله و کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده، با افزایش سطح ظرفیت تأملی والدین، به طور معناداری افزایش می یابد. به عبارت دیگر، در والدینی که ظرفیت تأملی بالاتری دارند، اثربخشی مداخله بر کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده به طور قابل توجهی بیشتر است. به همین ترتیب، برای بررسی نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین در رابطه بین مداخله و افزایش نظم دهی هیجانی، تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی دیگری انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۶ ارائه شده است.

جدول شماره ۶: نتایج تحلیل رگرسیون سلسله مراتبی برای بررسی نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین (متغیر

ملاک: نظم دهی هیجانی)

گام	متغیرهای وارد شده	ضریب بتا	ضریب تعیین	تغییرات ضریب تعیین	نسبت فیشر	سطح معنی داری
گام اول	گروه	۰/۵۸	۰/۳۴	۰/۳۴	۵۶/۲۳	۰/۰۰۱ >
گام دوم	گروه، ظرفیت تأملی	۰/۵۲	۰/۴۰	۰/۰۶	۸۱/۱۴	۰/۰۰۱ >
گام سوم	گروه، ظرفیت تأملی، تعامل گروه×ظرفیت تأملی	۰/۶۳	۰/۴۹	۰/۰۹	۷۲/۱۶	۰/۰۰۱ >

نتایج جدول شماره ۶ نشان می دهد که در گام اول، متغیر گروه به تنهایی ۳۴ درصد از واریانس تغییرات نمرات نظم دهی هیجانی را تبیین می کند. در گام دوم، با وارد کردن متغیر ظرفیت تأملی والدین، ضریب تعیین به ۴۰ درصد افزایش می یابد که این افزایش ۶ درصدی در سطح ۰۰۱/۰ > معنادار است. در گام سوم، با وارد کردن اثر تعاملی گروه و ظرفیت تأملی، ضریب تعیین به ۴۹ درصد



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 Septembre 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

می‌رسد که افزایش ۹ درصدی آن در سطح ۰/۰۱ > معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که ظرفیت تأملی والدین، نقش تعدیل‌گری معناداری در رابطه بین مداخله و افزایش نظم‌دهی هیجانی نیز ایفا می‌کند.

تحلیل ساده شیب‌ها برای بررسی الگوی تعدیل‌گری ظرفیت تأملی والدین بر نظم‌دهی هیجانی در جدول شماره ۷ ارائه شده است.

جدول شماره ۷: نتایج تحلیل ساده شیب‌ها برای اثر تعدیل‌گری ظرفیت تأملی والدین بر نظم‌دهی هیجانی

سطح ظرفیت تأملی	ضریب شیب	خطای استاندارد	نسبت تی	سطح معنی‌داری
پایین (یک انحراف استاندارد پایین‌تر از میانگین)	۰/۳۸	۰/۱۵	۵۳/۲	۰/۰۱۴
متوسط (میانگین)	۰/۶۳	۰/۱۳	۸۵/۴	۰/۰۰۱ >
بالا (یک انحراف استاندارد بالاتر از میانگین)	۰/۸۵	۰/۱۶	۳۱/۵	۰/۰۰۱ >

نتایج جدول شماره ۷ نشان می‌دهد که شدت رابطه بین مداخله و افزایش نظم‌دهی هیجانی، با افزایش سطح ظرفیت تأملی والدین، به طور معناداری افزایش می‌یابد. به عبارت دیگر، در والدینی که ظرفیت تأملی بالاتری دارند، اثربخشی مداخله بر افزایش نظم‌دهی هیجانی به طور قابل توجهی بیشتر است.

به منظور بررسی تعامل سه‌گانه (گروه، زمان، و ظرفیت تأملی)، تحلیل کوواریانس چندمتغیره با اندازه‌گیری مکرر با در نظر گرفتن ظرفیت تأملی به عنوان متغیر بین‌آزمودنی انجام شد که نتایج آن در جدول شماره ۸ ارائه شده است.

جدول شماره ۸: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره با اندازه‌گیری مکرر با در نظر گرفتن ظرفیت تأملی به عنوان

متغیر بین‌آزمودنی

متغیر	منبع تغییر	نسبت فیشر	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	اندازه اثر
نشانیان رفتاری برونی‌سازی شده	گروه	۲۸/۴۵	۱	۰/۰۰۱ >	۰/۴۹
	زمان	۹۴/۳۸	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۴۶
	ظرفیت تأملی	۶۷/۱۲	۱	۰/۰۰۱ >	۰/۲۲
	گروه×زمان	۱۵/۳۲	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۴۱
	گروه×ظرفیت تأملی	۸۳/۱۵	۱	۰/۰۰۱ >	۰/۲۶
	زمان×ظرفیت تأملی	۴۵/۸	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۱۶
	گروه×زمان×ظرفیت تأملی	۲۴/۱۱	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۲۰
نظم‌دهی هیجانی	گروه	۶۷/۵۲	۱	۰/۰۰۱ >	۰/۵۴
	زمان	۲۸/۴۱	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۴۸
	ظرفیت تأملی	۰۲/۱۴	۱	۰/۰۰۱ >	۰/۲۴
	گروه×زمان	۴۱/۳۵	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۴۴
	گروه×ظرفیت تأملی	۹۵/۱۶	۱	۰/۰۰۱ >	۰/۲۷
	زمان×ظرفیت تأملی	۱۳/۹	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۱۷
	گروه×زمان×ظرفیت تأملی	۰۸/۱۲	۲	۰/۰۰۱ >	۰/۲۱

نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که اثر تعامل سه‌گانه گروه، زمان و ظرفیت تأملی برای هر دو متغیر نشانیان رفتاری برونی‌سازی شده و نظم‌دهی هیجانی در سطح ۰/۰۱ > معنادار است. این یافته مؤید آن است که اثربخشی مداخله در طول زمان، به طور معناداری تحت تأثیر سطح ظرفیت تأملی والدین قرار می‌گیرد و این تأثیر در مرحله پیگیری نیز پایدار است.

جدول شماره ۹: نتایج تحلیل کوواریانس تک‌متغیره برای مقایسه گروه‌ها در مرحله پیگیری با کنترل نمرات



ICPSE
2026

پیش آزمون

متغیر	مجموع مربعات	درجه آزادی	میانگین مربعات	نسبت فیشر	سطح معنی داری	اندازه اثر
نشانگان رفتاری برونی سازی شده	۴۵/۹۸۲	۱	۴۵/۹۸۲	۲۷/۳۸	۰/۰۰۱>	۰/۴۶
نظم دهی هیجانی	۱۸/۲۲۳۴	۱	۱۸/۲۲۳۴	۸۳/۴۷	۰/۰۰۱>	۰/۵۱

نتایج جدول شماره ۹ نشان می دهد که تفاوت بین گروه آزمایش و گواه در مرحله پیگیری، پس از کنترل نمرات پیش آزمون، برای هر دو متغیر در سطح $0.01 >$ معنادار است. اندازه اثر برای نشانگان رفتاری برون سازی شده $0.46/$ و برای نظم دهی هیجانی $0.51/$ محاسبه شده است که نشان دهنده اندازه اثر متوسط تا بزرگ و حاکی از ماندگاری اثربخشی مداخله در مرحله پیگیری می باشد. در مجموع، یافته های این پژوهش نشان می دهد که مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی به طور معناداری باعث کاهش نشانگان رفتاری برون سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی شده است و این اثرات در مرحله پیگیری سه ماهه نیز پایدار بوده است. همچنین، ظرفیت تأملی والدین به عنوان یک متغیر تعدیل گر معنادار عمل کرده است؛ به گونه ای که در والدینی که ظرفیت تأملی بالاتری داشتند، اثربخشی مداخله بر هر دو متغیر وابسته به طور قابل توجهی بیشتر بوده است.

بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی بر کاهش نشانگان رفتاری برون سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی با نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی والدین انجام شد. یافته ها نشان داد که مداخله مذکور به طور معناداری باعث کاهش نشانگان رفتاری برون سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه گواه شده است و این اثرات در مرحله پیگیری سه ماهه نیز پایدار باقی مانده است. همچنین، ظرفیت تأملی والدین به عنوان متغیر تعدیل گر معنادار عمل کرده است؛ به گونه ای که در والدینی که ظرفیت تأملی بالاتری داشتند، اثربخشی مداخله بر هر دو متغیر وابسته به طور قابل توجهی بیشتر بوده است. این یافته ها با پژوهش های پیشین که اثربخشی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی را بر بهبود کارکردهای روان شناختی در کودکان آسیب دیده نشان داده اند، همسو است (Blaustein & Kinniburgh, 2018; Hodgdon et al., 2022; Griffin et al., 2024) و همچنین با مطالعاتی که بر اهمیت ظرفیت تأملی والدین در پیامدهای درمانی تأکید داشته اند، مطابقت دارد (Fonagy, Luyten, & Campbell, 2021; Nijssens et al., 2022).

کاهش معنادار نشانگان رفتاری برون سازی شده در گروه آزمایش را می توان به مؤلفه های اصلی مداخله یعنی تقویت دلبستگی ایمن، بهبود نظم دهی هیجانی و افزایش شایستگی های اجتماعی نسبت داد. کودکانی که در معرض تعاملات آشفته و واکنش های هیجانی افراطی والدین مرزی قرار دارند، معمولاً الگوهای رفتاری پر خاشگرانه و قانون شکنی را به عنوان راهبردهای مقابله ای ناسالم درونی می کنند (Zalewski, Lewis, & Martin, 2022؛ کربلای نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). مداخله حاضر با ارائه تجارب اصلاحی در تعامل والد-کودک، آموزش مهارت های هم تنظیمی هیجانی به والدین، و افزایش توانایی کودک در شناسایی و برچسب زنی هیجانات، بستر مناسبی برای جایگزینی رفتارهای پر خاشگرانه با راهبردهای سازگارانه فراهم آورده است (هاشمی و همکاران، ۱۴۰۰؛ کریمی و همکاران، ۱۴۰۲). همچنین، افزایش معنادار نظم دهی هیجانی در گروه آزمایش را می توان بر اساس سازوکارهای تحولی مداخله تبیین نمود. کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی، به دلیل مواجهه با فضای هیجانی آشفته و پیش بینی ناپذیر، در



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

18 September 2026 - TBILISI GEORGIA

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

کسب مهارت های نظم دهی هیجانی با نارسایی جدی مواجه می شوند (Steele, Townsend, & Fonagy, 2019; Eyden et al., 2021). مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی با ایجاد یک ساختار حمایت کننده و قابل پیش بینی در جلسات، به کودک امکان داده است تا هیجانات خود را در فضایی امن تجربه و ابراز کند و از طریق بازخوردهای اصلاحی درمانگر و والدین، راهبردهای مؤثرتری برای مدیریت برانگیختگی های هیجانی خود بیاموزد. پایداری اثرات مداخله در مرحله پیگیری سه ماهه، نشان می دهد که تغییرات ایجاد شده در سطح رفتاری و هیجانی کودکان، صرفاً موقتی نبوده و به دلیل بازسازی پایه های تحولی از طریق اصلاح الگوهای تعاملی اولیه، ماندگار شده است (حاجی احمدی و همکاران، ۱۴۰۲؛ Hodgdon et al., 2022).

مهم ترین یافته این پژوهش، نقش تعدیل گری معنادار ظرفیت تأملی والدین در اثربخشی مداخله است. در والدینی که ظرفیت تأملی بالاتری داشتند، اثربخشی مداخله بر کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی به طور قابل توجهی بیشتر بوده است. این یافته را می توان از چند منظر تبیین کرد. نخست اینکه والدین با ظرفیت تأملی بالا، توانایی بیشتری در درک حالات ذهنی خود و کودک دارند و می توانند نیازهای هیجانی کودک را به طور دقیق تری بازنمایی کنند (Fonagy, Luyten, & Campbell, 2021). این ویژگی، فرایند همکاری با درمانگر در جلسات گروهی را تسهیل می کند و والدین را قادر می سازد تا مفاهیم ارائه شده در مداخله را عمیق تر درونی کرده و در تعاملات روزمره با کودک به کار گیرند (جنتی و همکاران، ۱۴۰۱؛ سبزی و همکاران، ۱۴۰۳). دوم اینکه ظرفیت تأملی بالا، به والدین امکان می دهد تا بازخوردهای درمانگر را بهتر بپذیرند و الگوهای تعاملی ناسالم خود را با کودک اصلاح کنند (Katznelson, 2020; Bouchard et al., 2023). سوم اینکه در فرایند هم تنظیمی هیجانی، والدینی که ظرفیت تأملی بالاتری دارند، می توانند بهتر از موقعیت های تعاملی به عنوان فرصت هایی برای تنظیم هیجانی کودک استفاده کنند (نظری و همکاران، ۱۴۰۲؛ Nijssens et al., 2022). این یافته با پژوهش هایی که نشان داده اند ظرفیت تأملی والدین به عنوان یک عامل محافظتی در برابر پیامدهای منفی اختلال شخصیت مرزی والدین عمل می کند، همسو است (Goodman et al., 2017). از منظر بالینی، این یافته نشان می دهد که ارزیابی ظرفیت تأملی قبل از شروع مداخله ضروری است و ممکن است در خانواده هایی با ظرفیت تأملی پایین، نیاز به مداخلات مقدماتی برای افزایش ظرفیت تأملی والدین قبل از ورود به برنامه اصلی درمانی وجود داشته باشد (Fonagy, Luyten, & Campbell, 2021).

با وجود یافته های ارزشمند، این پژوهش با محدودیت هایی نیز مواجه بوده است. نخست اینکه حجم نمونه نسبتاً کوچک و روش نمونه گیری هدفمند، تعمیم پذیری یافته ها را محدود می کند. دوم اینکه دوره پیگیری سه ماهه برای ارزیابی ماندگاری بلندمدت تغییرات کافی است اما نیاز به پیگیری های طولانی تر دارد. سوم اینکه عدم استفاده از مصاحبه های بالینی ساختاریافته در کنار پرسشنامه ها، ممکن است بر دقت تشخیصی تأثیر گذاشته باشد. چهارم اینکه متغیرهای مداخله گر مانند وضعیت اقتصادی-اجتماعی و شدت علائم اختلال شخصیت مرزی والدین، کنترل کامل نشده اند. با وجود این محدودیت ها، پژوهش حاضر از نقاط قوت قابل توجهی از جمله استفاده از طرح نیمه آزمایشی با گروه گواه و پیگیری، ابزارهای استاندارد با هنجاریابی ایرانی، و بررسی نقش تعدیل گری ظرفیت تأملی که به ندرت در پژوهش های پیشین مورد توجه قرار گرفته است، برخوردار می باشد.

یافته های این پژوهش تلویحات عملی مهمی برای متخصصان حوزه کودک و خانواده دارد. نخست اینکه مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم دهی و شایستگی به عنوان یک رویکرد مؤثر و مبتنی بر شواهد برای کاهش نشانگان رفتاری برونی سازی شده و افزایش نظم دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی توصیه می شود. دوم اینکه ارزیابی ظرفیت تأملی والدین قبل از شروع مداخله، به عنوان یک اقدام ضروری برای شخصی سازی درمان باید در دستور کار درمانگران قرار گیرد. سوم اینکه در خانواده هایی با ظرفیت تأملی پایین، ممکن است نیاز به مداخلات مقدماتی افزایش ظرفیت تأملی قبل از ورود به مداخله اصلی وجود داشته باشد. با توجه به یافته ها و محدودیت های پژوهش، انجام پژوهش های آینده با حجم نمونه بزرگ تر، دوره پیگیری طولانی تر، و بررسی متغیرهای میانجی مانند کیفیت تعامل والد-کودک و الگوهای دلبستگی توصیه می شود. همچنین، بررسی اثربخشی این مداخله در گروه های سنی دیگر و در سایر جمعیت های آسیب پذیر می تواند به گسترش دامنه کاربرد این رویکرد کمک کند. به طور



ICPSE
2026

کلی، پژوهش حاضر نشان داد که مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم‌دهی و شایستگی با تأکید بر سه مؤلفه بنیادین دلبستگی ایمن، نظم‌دهی هیجانی و شایستگی‌های اجتماعی، رویکردی مؤثر و پایدار برای بهبود کارکردهای رفتاری و هیجانی کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی است و ظرفیت تأملی والدین نقشی تعیین‌کننده در میزان اثربخشی این مداخله ایفا می‌کند.

منابع

- آذر مهر، ف.، حسینی، س.، و رضایی، م. (۱۴۰۱). پیش‌بینی اختلالات شخصیت بر اساس نشانگان رفتاری برونی‌سازی‌شده در دوران کودکی. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۱۴ (۳)، ۴۵-۶۲.
- پرتو، ا.، کریمی، ن.، و صادقی، ر. (۱۴۰۲). نقش رفتارهای برونی‌سازی‌شده در پیش‌بینی رفتارهای ضداجتماعی در نوجوانی. *مجله روان‌شناسی تحولی*، ۲۰ (۱)، ۷۸-۹۵.
- جنتی، ه.، مرادی، ع.، و کاظمی، ص. (۱۴۰۱). نقش ظرفیت تأملی والدین در پذیرش و همکاری با مداخلات درمانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۸ (۲)، ۱۱۲-۱۲۸.
- حاجی‌احمدی، م.، کریمی، س.، و رضایی، ف. (۱۴۰۲). تدوین بسته مداخلاتی مبتنی بر دلبستگی، نظم‌دهی و شایستگی برای کودکان آسیب‌دیده. *مجله روان‌شناسی تحولی*، ۱۹ (۳)، ۲۱۲-۲۲۸.
- دهقانی، م.، عابدی، ا.، و جعفری، ع. (۱۳۹۶). رواسازی و اعتباریابی پرسشنامه نظم‌دهی هیجانی در جامعه ایرانی. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۹ (۲)، ۵۸-۴۵.
- رحیمیان، م.، و قائمی، ف. (۱۳۹۹). بررسی راهبردهای نظم‌دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. *مجله روان‌شناسی و روان‌پزشکی بالینی*، ۲۶ (۴)، ۳۳-۴۸.
- سبزی، ن.، رحیمی، ش.، و عسکری، م. (۱۴۰۳). رابطه ظرفیت تأملی والدین با پیامدهای درمانی در کودکان دارای اختلالات هیجانی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، ۲۱ (۲)، ۱۵۵-۱۷۰.
- صادقی، م.، و طهماسبی، ک. (۱۴۰۲). تأثیر تعاملات والدینی آشفته بر شکل‌گیری رفتارهای پرخطرانه در کودکان. *مجله علوم روان‌شناختی*، ۲۲ (۱۲۴)، ۲۵۸-۲۴۱.
- کریمی، س.، عابدی، ا.، و محمدی، ن. (۱۴۰۲). اثربخشی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم‌دهی و شایستگی بر کاهش نشانگان پس از سانحه در کودکان. *فصلنامه روان‌شناسی بالینی*، ۱۵ (۱)، ۸۹-۱۰۴.
- کربلایی‌نژاد، م.، شریفی، ع.، و نادری، ف. (۱۴۰۰). بررسی الگوهای تعاملی در خانواده‌های دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. *مجله روان‌شناسی خانواده*، ۸ (۲)، ۶۷-۸۲.
- قاسم‌پور، آ.، نظری، م.، و حسینی، ز. (۱۴۰۰). اعتباریابی پرسشنامه ظرفیت تأملی والدین در جمعیت ایرانی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، ۱۷ (۴)، ۷۲-۵۵.
- مینایی، ا.، نجفی، م.، و صادقی، م. (۱۳۸۹). هنجاریابی و اعتباریابی فهرست رفتاری کودک آخنباخ در ایران. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۴۱ (۱)، ۱۰۶-۸۹.
- میرزایی، ح.، احمدی، س.، و بهرامی، ف. (۱۴۰۳). تأثیر اختلال شخصیت مرزی والدین بر رشد هیجانی و رفتاری کودکان. *مجله روان‌شناسی بالینی و شخصیت*، ۲۲ (۱)، ۱۳۵-۱۵۰.
- نظری، م.، صفری، ع.، و کریمی، ز. (۱۴۰۲). مکانیسم‌های ناسالم نظم‌دهی هیجانی در کودکان دارای والدین مبتلا به اختلال شخصیت مرزی. *فصلنامه روان‌شناسی تحولی*، ۲۰ (۴)، ۳۰۵-۳۲۰.
- هاشمی، ن.، رضایی، م.، و عابدی، ا. (۱۴۰۰). اثربخشی مداخله مبتنی بر دلبستگی، نظم‌دهی و شایستگی بر بهبود نظم‌دهی هیجانی در کودکان آسیب‌دیده. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۵۲ (۱)، ۶۰-۴۵.
- Achenbach, T. M., & Rescorla, L. A. (2001). *Manual for the ASEBA school-age forms & profiles*. University of Vermont, Research Center for Children, Youth, and Families.



ICPSE
2026

نوزدهمین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در روانشناسی، علوم اجتماعی، علوم تربیتی و آموزشی

گرجستان - ۲۷ شهریور ۱۴۰۵ - آکادمی بین المللی علوم و مطالعات گرجستان

<http://icpse.ir>
info@icpse.ir

18 Septembe 2026 - TBILISI GEORGIA

- Blaustein, M. E., & Kinniburgh, K. M. (2018). *Treating traumatic stress in children and adolescents: How to foster resilience through attachment, self-regulation, and competency* (2nd ed.). Guilford Press.
- Bouchard, J., Campbell, C., & Fonagy, P. (2023). Parental reflective functioning and borderline personality disorder: A systematic review. *Journal of Personality Disorders*, 37(2), 145-168.
- Eyden, J., Winsper, C., Wolke, D., Broome, M. R., & MacCallum, F. (2021). A systematic review of the parenting and outcomes of children of parents with borderline personality disorder. *Clinical Psychology Review*, 84, 101972.
- Fonagy, P., Luyten, P., & Campbell, C. (2021). Mentalizing and the development of borderline personality disorder. *Development and Psychopathology*, 33(4), 1279-1294.
- Goodman, M., Tomas, I. A., Temes, C. M., Fitzmaurice, G. M., & Aguirre, B. A. (2017). Parental reflective functioning in mothers with borderline personality disorder. *Psychiatry Research*, 256, 482-488.
- Griffin, J., Lee, H., & Blaustein, M. E. (2024). The effectiveness of attachment, self-regulation, and competency intervention in children with trauma histories: A meta-analysis. *Journal of Traumatic Stress*, 37(1), 22-35.
- Hodgdon, H. B., Kinniburgh, K. M., Gabowitz, D., & Blaustein, M. E. (2022). Attachment, self-regulation, and competency intervention: A comprehensive approach to treating complex trauma in children. *Journal of Child & Adolescent Trauma*, 15(3), 671-686.
- Katznelson, H. (2020). Reflective functioning in parents with borderline personality disorder: A conceptual review. *Journal of Personality Disorders*, 34(6), 731-749.
- Kozlowski, K. (2023). Gaps in intervention research for children of parents with borderline personality disorder. *Journal of Clinical Child and Adolescent Psychology*, 52(3), 412-425.
- Luyten, P., Mayes, L. C., Nijssens, L., & Fonagy, P. (2017). The parental reflective functioning questionnaire: Development and preliminary validation. *PLoS ONE*, 12(5), e0176218.
- Morris, A. S., Criss, M. M., & Houlberg, B. J. (2022). Emotion regulation in childhood and adolescence: A developmental perspective. In *The Oxford Handbook of Emotion Regulation* (pp. 145-163). Oxford University Press.
- Nijssens, L., Bleys, D., & Luyten, P. (2022). Parental reflective functioning and child development: A systematic review. *Clinical Child and Family Psychology Review*, 25(2), 234-258.
- Rabinowitz, J. A., Frye, K. E., & Koenig, J. L. (2023). Integrated versus single-focus interventions for children with emotional and behavioral disorders. *Journal of Emotional and Behavioral Disorders*, 31(1), 15-28.
- Shields, A., & Cicchetti, D. (1997). Emotion regulation among school-age children: The development and validation of a new criterion Q-sort scale. *Developmental Psychology*, 33(6), 906-916.
- Steele, K. R., Townsend, M. L., & Fonagy, P. (2019). Borderline personality disorder and parenting: A systematic review. *Clinical Psychology Review*, 67, 15-26.
- Vaughn, B. E., Bost, K. K., & Wampler, R. S. (2021). Externalizing behaviors as predictors of personality disorders in adolescence and adulthood. *Journal of Abnormal Child Psychology*, 49(5), 623-638.
- Zalewski, M., Lewis, J. K., & Martin, C. G. (2022). Emotion regulation in children of parents with borderline personality disorder. *Journal of Affective Disorders*, 308, 145-152.